

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٢٤



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
تصویر سازی

عنوان :

بررسی ساختار و محتوای سوره واقعه

استاد راهنما :

جناب آقای نظام الدین امامی فر

عنوان پروژه عملی :

تصویرسازی سوره واقعه

استاد راهنما :

جناب آقای حبیب الله صادقی

استاد مشاور :

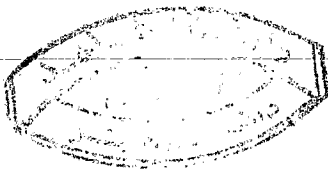
جناب آقای محمد علی رجبی

نام دانشجو :

محدثه پورجعفری

بهار ۱۳۸۷

۱۳۲۵۴۱



۱۳۸۸/۱۲/۱۷

مؤسسه مطالعات و تحقیقات علمی و فنی
شهر هرات



دانشگاه شاهرود
دانشکده هنر

به نام خدا

تمامی حقوق مادی و معنوی این پایان نامه تحصیلی متعلق به دانشگاه شاهد است و هر گونه نقل مطالب با ذکر نام دانشگاه شاهد، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است. دانشجویان در صورتی می توانند نسبت به چاپ مقاله مستخرج از پایان نامه خود اقدام کنند که مقاله مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته باشد. همچنین به هنگام چاپ مقاله ذکر نام استاد راهنما ضروری است. عدم رعایت موارد فوق موجب پیگرد قانونی است.

«معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی»



تاریخ
شماره
پیوست

بدین وسیله جلسه دفاعیہ کارشناسی ارشد خانم محدثہ پورجعفری
سازی با عنوان

رسالہ نظری: بررسی ساختار و محتوای تصویری سورہ واقعہ
پروژہ عملی: تصویر سازی سورہ واقعہ

در تاریخ ۸۷/۴/۲۹ برگزار و نمرہ رسالہ نظری ۱۶۱۷۰ و پروژہ عملی ۱۷/۱۸۰
و میانگین آن بہ عدد ۱۷/۳۶ و بہ حروف ہونہ رسی و شش ہم اعلام می گردد.

اعضای ہیات داوران

۱- آقای سید نظام الدین امامی فر (استاد راہنما)

۲- آقای حبیب اللہ صادقی (استاد پروژہ عملی)

۳- آقای محمد علی رجبی (استاد مشاور)

۴- آقای حمید شریفی (داور مدعو)

۵- آقای مرتضی افشاری (داور داخلی)

۹- آقای محسن مراثنی (نماینده تحصیلات تکمیلی)

مدیر گروہ رشتہ: ارتباط تصویری - گرافیک

نام و نام خانوادگی: عبدالرضا چارثی

امضاء:



دانشگاه شاهرود
دانشکده هنر

چکیده پایان نامه

عنوان پایان نامه : بررسی ساختار و محتوای تصویری سوره واقعه

استاد راهنما : جناب آقای نظام الدین امامی فر

استاد مشاور : جناب آقای محمدعلی رجیبی

نام دانشجوی : محدثه پورجعفری

شماره دانشجویی : ۸۴۷۴۹۶۵۰۰

رشته : تصویرسازی

چکیده :

سوره واقعه در میان دیگر سوره های قرآن کریم مشتمل بر رازهای گرانقدری از معاد و دارای اهداف بزرگی در شناخت بندگان بوده و بخشهای آن از جهت نیک بختی و بدبختی در جهان آخرت تقسیم شده است. با توجه به عنوان این تحقیق که بررسی ساختار و محتوای تصویری سوره واقعه بوده است در جستجوی این جنبه های تصویری در ابتدا از علم نشانه شناسی برای درک بیان قرآنی سوره مورد نظر استفاده گردید. سپس بنا بر یافته های تحقیق، نشانه های نمادین در سوره ی واقعه به عنوان جنبه های تصویری معرفی گردید. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که مثال های این سوره قابلیت تصویر سازی را دارا می باشند و ماحصل این تحقیق در بخش پروژه عملی در قالب تصویر سازی این مثالها ارائه گردیده است، ضمن این که روش تحقیق کتابخانه ای و ابزار گرد آوری اطلاعات فیش و عکس برداری بوده است.

واژگان کلیدی : قرآن کریم / سوره واقعه / تصویر / تصویرگری / نماد .

نظر استاد راهنما : برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است.

تاریخ

امضاء

۸۷/۴/۲۷



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
فصل اول : پیشینه تصویر و نمادهای تصویری	
۴.....	- تعریف کلمه.....
۵.....	- معرفت بصری و کلام.....
۸.....	- تعریف تصویر.....
۱۰.....	- محتوا.....
۱۴.....	نشانه های دیداری و نشانه های تصویری.....
۱۸.....	نشانه چیست ؟.....
۲۲.....	دلالت صریح و معانی ضمنی.....
۲۶.....	تعریف تصویرگری.....
۳۳.....	- تعریف تصویرگری مذهبی.....
۴۶.....	ویژگی های نگارگری در مکتب های گوناگون.....
۵۴.....	انواع سبک های تصویرگری مذهبی.....
فصل دوم : تصویر و بیان قرآن	
۷۳.....	بیان قرآن.....
۹۳.....	حقیقت آفرینش هنری در قرآن.....
۹۵.....	- ویژگی چند تصویر خاص در قرآن کریم.....
۹۵.....	- بهشت.....
۹۶.....	- جهنم.....
۹۷.....	- درگاه دوزخ.....
۹۹.....	- انسان.....
۱۰۰.....	- آدم و داستان بهشت.....
۱۰۰.....	- شگفتی های آفرینش انسان.....
۱۰۰.....	- عبرت از مرگ.....
۱۰۱.....	- الگوی انسان کامل.....
۱۰۲.....	- فرشته (حور).....

فصل سوم : سوره واقعه

۱۰۵.....	محتوا
۱۰۶.....	واقعه عظیم
۱۰۹.....	مواهب و نعمتهای اصحاب الیمین
۱۱۰.....	کیفرهای دردناک اصحاب شمال
۱۱۱.....	هفت دلیل بر مساله معاد
۱۱۲.....	تنها پاکان به حریم قرآن راه می یابند
۱۱۳.....	هنگامی که جان به گلوگاه می رسد
۱۱۴.....	سرانجام نیکوکاران و بدکاران
۱۱۷.....	- نمادهای تصویری سوره واقعه
۱۲۵.....	تجزیه و تحلیل آثار تصویرگری مذهبی
۱۲۶.....	همای و همایون در باغ شاهی
۱۲۷.....	پسران فریدون و دختران شاه یمن
۱۲۸.....	جهان مقدس
۱۲۹.....	معراج پیامبر
۱۳۰.....	جهان مقدس
۱۳۱.....	نقش فرشته در نگاره های گوناگون
۱۴۶.....	نتیجه گیری
۱۴۸.....	فهرست تصاویر
۱۴۹.....	فهرست آیات و روایات
۱۵۲.....	منابع و مأخذ
۱۵۴.....	گزارش کار عملی

تصاویر کار عملی

پیشگفتار

جلال‌الدین محمد مولوی در دفتر پنجم مثنوی از مؤذنی حکایت می‌کند که آوازی ناخوش دارد و در کافرستان بانگ اذان سر می‌دهد که این عمل او باعث می‌شود مردی کافر به وی هدیه‌ای گران‌بها بخشد. آن چه از این حکایت شیرین فهمیده می‌شود اهمیت هنر در انتقال مفاهیم است. حضرت مولانا با این تمثیل ظریف اشاره می‌کند که متعالی‌ترین و دل‌انگیزترین مفاهیم در صورتی که به جامه‌ی هنر آراسته نشوند، موفقیتی در انتقال معنا نخواهند داشت و ممکن است نتیجه‌ای ناخوشایند به بار آورند. با استمداد از روح بلند مولانا که خود هنرمندی کم‌نظیر است، این حکایت زیبا را می‌خوانیم:

یک مؤذن داشت، بس آواز بد	در میان کافرستان بانگ زد
چند گفتندش مگوبانگ نماز	که شود جنگ و عداوت‌ها دراز
او ستیزه کرد و پس بی‌احتراز	گفت در کافرستان بانگ نماز
خلق خائف شد ز فتنه عامه‌ای	خود بیامد کافری با جامه‌ای
شمع و حلوا با چنان جامه‌ی لطیف	هدیه آورد و بیامد چون الیف
پرس پرسان کان مؤذن کو کجاست	که صلا و بانگ او راحت فزاست
هین چه راحت بود زان آواز زشت	گفت آوازش فتاد اندر کنشت
دختری دارم لطیف و بس سنی	آرزو می‌بود او را مؤمنی
هیچ این سودا نمی‌رفت از سرش	پندها می‌داد چندین کافرش
در دل او مهر ایمان رسته بود	همچو مجمر بود این غم، من چو عود
در عذاب درد و اشکنجه بدم	که بجنبید سلسله او دم به دم
هیچ چاره می‌ندانستم در آن	تا فرو خواند این متتؤذن آن اذان
گفت دختر چیست این مکروه بانگ	که بگوشم آمد این دو چار دانگ
من همه عمر این چنین آواز زشت	هیچ نشنیدم در این دیر و کنشت
خواهرش گفت که این بانگ اذان	هست اعلام و شعار مؤمنان
باورش نامد، پرسید از دگر	آن دگر هم گفت آری ای پدر
چون یقین گشتش رخ او زرد شد	از مسلمانی دل او سرد شد
باز رستم من ز تشویش و عذاب	دوش خوش خفتم در آن بی‌خوف خواب
راحتم این بود از آن آواز او	هدیه آوردم به شکر، آن مرد کو؟

چون بدیدش گفت این هدیه پذیر
آن چه کردی با من از احسان و بر
گر، به مال و ملک و ثروت خرمی
هست ایمان شما زرق و مجاز
که مرا گشتی مجیر و دستگیر
بنده تو گشته‌ام من مستمر
من دهانت را پر از زر کردمی
راهزن همچون، که آن بانگ نماز
آری، هر چند سفر بسی دراز می‌نماید ولی چاره نیست جز آنکه - گام به گام - از زمین‌های پست به
سوی قله‌های بلند پیش رویم. آری: عروج بر فلک سروری به دشواری است.

قرآن مجید بالاترین سند افتخار ما مسلمانان است و تا کسی با قرآن آشنا نشود، پی به عظمت آن
نخواهد برد و هر قدر آشنایی ما با این کتاب بزرگ آسمانی افزون گردد. به درجه اهمیت و عظمت
آن بهتر پی می‌بریم، مخصوصاً برای حل مشکلات مسلمین در دنیای امروز، بهترین راه گشا قرآن
است.

در این وادی روشهای متعددی در کشف رازهای قرآن پیش گرفته شده است اما آنچه کمتر مورد
توجه و و مذاقه قرار گرفته بررسی بیان تصویری قرآن است، آیا به راستی می‌توان گفت که در قرآن
روشی با عنوان روش تصویری وجود دارد؟ و اگر چنین است این تصاویر از چه نوع هستند؟ و چه
ارتباطی با متن کلامی پیدا می‌کنند؟ و آیا این تصاویر در همه بخشهای سوره وجود دارند یا تنها
بخشی از آیات را در بر گرفته‌اند، در رساله حاضر ما فرض را تصویری بودن آیات قرآن بالاخص
سوره‌ای از قرآن با عنوان سوره مبارکه واقعه قرار داده‌ایم در راه اثبات فرضیه خود ابتدا نگرش علم
نشانه شناسی در رابطه با وجود تصاویر ذهنی از ورای متن را بررسی و انواع آن را معرفی می‌نماییم
گونه‌ای از نشانه‌ها را بیانگر تصاویر موجود در متن شناخته و با توجه به این گونه از نشانه‌ها به تعبیر
تصویری از آیات می‌پردازیم. نمونه مفیدی که ما در این تحقیق بسیار بدان رجوع کرده‌ایم نگرش
سید قطب در کتاب آفرینش هنری در قرآن است، چرا که تنها منبع موجود و کاملترین برخوردار
هنری با آیات قرآن محسوب می‌شود. می‌توان گفت نوعی تفسیر تصویری است، که استناد به آن ما
را در اثبات فرضیه خود یاری می‌کند. از مشکلات موجود در این مسیر را کمبود منابعی از این
دست می‌توان عنوان کرد همانطور که در سطور پیشین ذکر شده، در تفسیر قرآن بیشتر به آرایه-
های ادبی و کلامی، علم تفسیر و تعبیر معانی از عربی به سایر زبانها مدنظر بوده و این نوع نگرش
که نگرش تصویری و تصویر مدارانه به آیات قرآن می‌باشد تنها در کتاب سید قطب لحاظ شده
است. به هر تقدیر در بررسی محتوای تصویری سوره واقعه ما به روش توصیفی و تحلیلی ابتدا به
معانی، تفاسیر و محتوای کلامی آیات پرداخته و سپس با علم به میاحث ذکر شده در بخشهای

پیش از آن، (که به معرفی انواع نشانه‌ها و نوع خوانش متن و تصویر پرداخته بودیم) به صورت تحلیل محتوایی گونه‌ای از نشانه‌ها را در متن سوره معرفی و تصاویر متبادر به ذهن را با مترادفهای تصویری ارائه نمودیم تا مورد استفاده پژوهندگان قرار گیرد. مترادفهای تصویری ذکر شده نمونه‌های تصویری است که چه در عصر حاضر و چه در دورانهای پیشین با توجه به متن مذهبی به صورتی هدفمند در راستای تصویری نمودن نمونه‌های اخلاقی یا تصاویر مثالی پدید آمده‌اند و از لحاظ شکل ظاهر و معنای باطن با تصاویر متن سوره همخوانی بیشتری داشته‌اند. آشنایی با سبکهای متعدد در این نوع تصویرگری، هنرمندان علاقه‌مند به تصویر گری آیات قرآن کریم را در رسیدن به هدف متعالی‌شان یاری خواهد نمود.

و من الله توفیق

مقدمه :

تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق :

سوره واقعه در میان دیگر سوره ها مشتمل بر اسرار و رازهای گرانقدری از معاد و دارای اهداف بزرگی در شناخت بندگان بوده و درجات آن بر حسب حالات و بخشهای آن از جهت نیک بختی و بدبختی در جهان آخرت است. در طی این سوره سابقان از مقربان را معرفی و چگونگی جنات نعیم و صورت تجسمی اعمال تا آب جوشان دوزخ و سوختن به آتش قهر الهی به نمایش در می آید. پس از آن چگونگی تفکر در آسمانها و زمین و معنی کتاب مکنون بوده و قرآن را که به باطن آن جز پاکان دست نیازند و چگونگی نزولش بر طبقات وجود و فرق بین کتاب و کلام را بیان داشته و دیگر مطالب ذوقی و کشفی و عرفانی را به صورت مفصل و مستدل تفسیر و بیان می دارد و اینها تمامی به گونه ای صورت می پذیرد که هر فرد می تواند کاملاً صریح و واضح تصاویر وقایع را در برابر دیدگان خود مشاهده کند. در این تحقیق برآنیم تا چگونگی صحنه های خلق شده در طی این سوره را به صورت مجزا بررسی کنیم و شیوه تأثیرپذیری تصویرگران از آیات الهی را مطالعه کنیم.

سوالهای اصلی تحقیق :

۱- جنبه های تصویری سوره واقعه چیست؟

۲- آیا میتوان صورتهای تصویری برای مثالهای قرآنی آورد؟

۳- آیا تکنیک های بکار گرفته شده در بعضی از تصویرسازی مذهبی و قرآنی از لحاظ محتوا با آن همخوانی داشته است؟

پیشینه و ضرورت انجام تحقیق :

در پیگیری و بررسی سابقه و پیشینه تحقیق مواردی انگشت شمار در این زمینه مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفتند. در کتاب آفرینش هنری در قرآن نوشته سیدقطب و به ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند نویسنده ضمن آوردن تاریخچه ای از فعالیتهای خود و گرایش او به بررسی وجوه متمایز قرآن به این نکته اشاره می کند کوششهایی که در تفسیر و مباحث بلاغت قرآنی مبذول گشته در همان چهارچوبه نقد عربی محصور مانده و از محدوده تحلیل زیبای های جزئی بیرون نیامده است و جز توجه مختصری که در بلاغت صورت و هماهنگی ظاهری الفاظ قرآنی شده در قلمرو اعجاز آیات پژوهش مهمی صورت نگرفته است در حالیکه در این کتاب بزرگ در نحوه بیان برای تمام اعراض اعم از بیم یا امید یا نقل سرگذشت اقوام یا پیشگویی یا اقناع یا دعوت به ایمان و توصیف دنیا و آخرت یا توسل به تمثیل یا بیان مافی الضمیر یا توصیف منظره، شیوه واحدی در تعبیر بکار رفته است و آن شیوه تصویری است و همچنین بیان می دارد که تصویر هنری در قرآن تصویری است آمیخته با رنگ و جنبش و موسیقی و زنگ کلمات به گونه ای است که دیده و گوش و حس و خیال و هوش و وجدان را

از خود آکنده می کند. این نویسنده در طی تحقیق خود به بررسی معنا و محتوای تصویری قرآن پرداخته است.

همچنین در پایان نامه خانم مهدیه صفرزاده سرآسیابی با عنوان « تطبیق تصویرسازی های داستانهای قرآنی دوره تیموری و صفوی با دوره معاصر » پاسخگویی به سوالاتی نظیر اینکه تصویرسازی معاصر از موضوعات قرآنی با نگارگریهای دوره های قبل چه وجوه اشتراک و افتراقی دارد؟ دیدگاه هر یک چگونه بوده است؟ موضوعات و قصصی که در هر دوره توسط استادان و نگارگران انتخاب و پردازش شده اند؟

ایشان در پایان نامه خود به این نکته اذعان داشته اند که در تصویرسازی به خصوص تصویرسازی داستان های قرآن به دلیل ارتباط با موضوعاتی که با سنت و فرهنگ ایران وابسته اند، نگارگری معیار سنجش مناسبی است. تا با تکیه بر سنت و فرهنگ خود موضوعاتی را که مرتبط به همان سنت و فرهنگ است را شایسته اجرا کنند.

در کتابی دیگر تحت عنوان تفسیر سوره واقعه نوشته صدرالمتالهین شیرازی (ملاصدرا) ترجمه محمد خواجوی از منظر عرفان بیشتر تا فلسفه به سوره واقعه پرداخته می شود. در این کتاب نویسنده آیه به آیه و در برخی موارد کلمه به کلمه به رمزگشایی می پردازد و مثالهای قرآنی را بازنموده و توضیح می دهد. تمام سوره بخش بندی می شود و هر بخش که مبین موضوعی خاص است مورد بررسی قیوار می گیرد. در کتاب نقاشی ایران از دیرباز تا امروز نوشته رویین پاکباز بخشی از کتاب که به مشخصات نگارگریهای ایران می پردازد به چهره نگاری و منظره سازی نگارگران اشاره می کند و مشخصات فردی و تکنیکی کار هر یک و ویژگیهای خاص هر دوره به صورت مختصر بررسی می شود.

با توجه به موارد یاد شده و محتویات آنها تحقیق حاضر سعی در یافتن زبان تصویری ساده و صریح متناسب با محتوای آیات قرآن کریم دارد تا بتوان از این زبان برای انتقال بسیاری از پیام های قرآنی به مخاطبین که در رده های مختلف سنی قرار دارند استفاده کرد. در این تحقیق هیچگونه بررسی تاریخی و یا سعی در رد یا قبول آثار خاصی نسبت به سایر آثار از این دست مطرح نیست تنها در پی جستجوی رویکردی در زمینه تعلیم و تربیت از طریق تصویرسازی مطابق با زمانه خود و در شأن و شایستگی قرآن کریم هستیم.

فرضیه ها

- ۱- مثالهای ذکر شده در سوره واقعه بیان تصویری دارند.
- ۲- محتوای آیات سوره واقعه قابل تصویرگری است.
- ۳- بعضی از تکنیک ها و روش های بکار گرفته شده در تصویرسازی آیات قرآنی با مفاهیم آن ارتباط دارند.

اهداف و کاربرد :

۱- دسته بندی جنبه های مختلف تصویری سوره واقعه

۲- یافتن صورت هایی برای بعضی از آیات سوره واقعه با استفاده از جنبه های مختلف تصویرسازی از کاربردهای متصور برای این پژوهش در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی از طریق تصویرسازی برای کتابهای کمک آموزشی، انیمیشن و سایر موارد از این دست مفید خواهد بود.

روش انجام تحقیق :

اطلاعات مندرج در تحقیق حاصل به روش گردآوری به صورت کتابخانه ای بوده و در نهایت به شیوه توصیفی و تحلیلی ارائه گردیده است.

ابزار گردآوری :

عکاسی و فیش برداری

جامعه آماری :

آیات قرآن کریم - کلیه آیات سوره واقعه

روش نمونه گیری و تعداد نمونه ها : غیرتصادفی - کلیه آیات سوره واقعه

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات :

کیفی - تحلیل محتوا

رساله حاضر پژوهشی است در زمینه نوع بیان تصویری در قرآن بالاخص، سوره مبارکه واقعه، در راه به تصویر کشیدن این آیات از کتاب الهی. در فصل اول به محتوای کلام و تصویر - نشانه های دیداری و تصویری، نوع خوانش متن و تصویر و تعاریفی چون دلالت صریح و ضمنی و انواع نشانه در متن پرداخته ایم پس از آن تصویرگری را به عنوان یک شاخه از هنر تصویری که مدنظر ماست توضیح و تصویرگری مذهبی و انواع سبک های قدیم و جدید آن را که مناسب ترین نوع تصویرگری با آیات قرآن می تواند باشد با تصاویری برای شرح بیشتر آورده ایم. در فصل دوم، ابتدا بیان قرآنی را با توجه به کتاب آفرینش هنری در قرآن نوشته سید قطب که می توان گفت تنها و کاملترین منبع موجود در زمینه رویکرد تصویری با آیات قرآنی می باشد، شرح داده ایم و پس از آن با توجه به آموزه های نشانه ای و گفتاری سید قطب چند نمونه نشانه را بررسی و از آن میان از بارزترین نشانه های موجود در قرآن، چند مورد را بنا به تفسیر باز نموده ایم. در فصل سوم، سوره مبارکه واقعه بنا به تفسیر توضیح داده شده و فضاهای موجود در آن بخش بندی گشته و پس از آن نشانه های تصویری در متن سوره به صورت مجزا معرفی شده اند و در پایان چند نمونه تصویری که با نشانه های سوره مترادف می باشند معرفی شده و مورد بررسی قرار گرفته اند.

فصل اول :

پیشینه تصویر و نمادهای تصویری

- تعریف کلمه

در قرآن آمده است: «الم تر کیف ضرب الله مثلاً «کلمه» طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء» «آیندیدی چگونه زده است خدا مثل «سخنی» پاک مانند درختی است پاک ریشه‌ای بر جا و شاخ و برگش در آسمان».

معنی کلمه در قرآن به تفضیل آمده است. همچنین در ابتدای «انجیل یوحنا» آمده است: در ابتدا کلمه بود و کلمه خدا بود. گرچه در آغاز بعضی از ترجمه‌های انجیل آمده است: در ابتدا فعل بود و آن فعل خدا بود و در تورات، «سفر پیدایش» باب یازدهم آمده است: تمام جهان را یک «زبان» و یک «لغت» بود.

..... «کلمه»: (ک، ل، م). یک سخن سخن لفظ، کلام، کلمه (ک، ل، م) (اقرب الموارد). سخن، گفتار.

ترکیب‌ها:

- «کلمه الله هی العلیا» - کلمه خدا.

- «کلمه الله، عیسی علیه السلام» (منتهی الارب)، لقب آن حضرت.

- کلمه الباقیه - کلمه توحید و آن لا الله. الا الله است.

- کلمه التقوی - بسم الله الرحمن الرحیم.

- کلمه: (ک، ل، م) مأخذ از عربی کلمه، سخن، گفتار.

یک جزو از کلام، لفظ معنی‌دار، و فرق کلمه با لفظ درین است که لفظ اعم است از معنی‌دار و بی معنی ولی کلمه حتماً معنی دارد.

هر لفظ موضوع که دلالت بر معنی کند به وضع آواز یا مجموعه آوازهایی حاکی از اندیشه، در اصطلاح نحویان، لفظی است که برای معنای مفرد وضع شده باشد یا در کتابت آن حرفی یا کلمه‌ای از قلم افتاده.

- در اصطلاح دستور زبان مجموعه حروفی که یک واحد را تشکیل دهند و کلام مرکب از مجموع چند کلمه.

- در اصطلاح منطقیین فعل است مقابل اسم و آن هر لفظ مفردی است که دلالت کند بر معنایی با زمان محدود آن معنی.

- در اصطلاح فلسفه، روح انسانی را به اعتبار ظهور آن در نفس رحمانی مانند ظهور کلمه در نفس انسانی کلمه گویند.

کلمه کن، اصطلاح عرفانی است که فلاسفه اسلام نیز بکار برده‌اند و مراد آن امر ابداعی و تکوینی وجود منبسط است، چنانکه گویند به واسطه کلمه کن تمام موجودات برسبیل وجود ابداعی و دفعتاً در اصطلاح فلسفه، سکینه .

در اصطلاح اهل حق (عرفا) کنایه است از یک‌یک ماهیات .

از سوی دیگر واژه باژ که باج، باز، واج، واچ و واژ هم گفته می‌شود از ریشه اوستایی وچ Vac که در سانسکریت واج Vac و در پهلوی واج Vaj یا واجک Vajak آمده است.

همین ریشه در لاتین VOX و در فرانسوی و انگلیسی Voix ، Voice شده، باز به معنی کلمه، سخن و گفتار است. از همین ریشه است کلمات آواز، آوا، گواژ، گوازه و واژه که امروزه به معنی لغت و کلمه استعمال می‌شود. در فرهنگ‌های پارسی آمده: باژ خاموشی باشد که مغان در وقت شستن بدن و چیزی خوردن بعد از زمزمه آغاز کنند. باید دانست که کلیه دعا‌های مختصر را که زرتشتیان آهسته به زبان می‌رانند باژ می‌گویند.^۱

– معرفت بصری و کلام

تجسم یا تصور کردن عبارت از توانایی ما در شکل بخشیدن به تصاویر ذهنی است. معمولاً وقتی می‌خواهیم به نقطه‌ای در شهر برویم ابتدا خیابان‌هایی را که باید از آن‌ها بگذریم در نظر می‌آوریم، و علایم و نشانه‌های بصری خالص آن مسیر را در ذهن خود مرور می‌کنیم، بعضی از آن‌ها به صورت ذهنی از مقابل مان می‌گذرد، و مجدداً به نقطه‌ای دیگر بر می‌گردیم، این قبیل فعل و انفعالات ذهنی معمولاً قبل از حرکت مان به سوی مکان مورد نظر به وقوع می‌پیوندد. موضوع عجیب آن است که ما اغلب مکانی را که هرگز به آن پا نگذاشته‌ایم و یا ندیده‌ایم نیز در ذهن خود مجسم می‌کنیم این نوع تجسمات یا بهتر بگوییم، تصاویر اولیه ذهنی همراه با دیدن، هر دو پدیده‌هایی هستند که با عمل خلاقیت تصویر سازی پیوندی نزدیک دارند. ماجرای «یافتن یافتم» ارشیمدوس، مثال خوبی برای این موضوع است. این جریان جا به جا ساختن تصاویر و شکل‌ها در ذهن دقیقاً همان چیزی است که اغلب ما را در یافتن پاسخ یک مسئله یاری می‌کند. مشاهده این تکامل و پیشرفت برای مبحث ارتباطات دارای اهمیت شایانی است. تکامل زبان از تصاویر آغاز شد، و به صورت تصویر نگاری در آمد که در آن شکل‌های ساده به معانی روشن و واضح به کار می‌رفت، سپس به واحدهای آوایی تبدیل شد و سرانجام شکل الفبا به خود گرفت، گرگوری (R.R.Gregory) مؤلف کتاب چشم هوشمند، الفبا را به همین مناسبت «ریاضیات معنا» خوانده است. هرگامی که در این راه برداشته می‌شد مسلماً تکاملی بیشتر در

۱- پدram حکیمزاده- کلمه یا تصویر- چاپ اول- انتشارات ثارا... - تهران - ۱۳۷۹- ص ۹

ارتباط مؤثرتر میان آدمیان بود. شواهد بسیاری موجود است که نشان می‌دهد در این جریان امروز، باز گشتی به گذشته مشاهده می‌شود، یعنی بازگشت به استفاده از تصویر برای برقرار کردن ارتباط؛ و این عقبگرد به دلیل آن است که افراد بشر می‌خواهند به شکلی مؤثرتر و مستقیم‌تر با یکدیگر ارتباط یابند. یاد گرفتن سواد برای زبان مهم‌ترین مسئله است. شاید از پاسخ به این سؤال که با سواد بودن از نظر زبان دارای چه اهمیت و معنایی است و نیز مقایسه زبان تصویری با کلام، بتوان نتایج سودمندی گرفت و این پاسخ ما را در استفاده از اخبار و اطلاعات به صورت تصویری یاری رساند.

زبان در جریان آموزش و یادگیری بشر، مقامی منحصر به فرد داشته است و هنوز هم دارد. کاربردهای زبان بسیار است، زبان وسیله ضبط و انتقال اخبار است، وسیله‌ای است برای تبادل افکار و عقاید و نیز ابراز ساختن مفاهیم کلی و ذهنی بشر. در یونانی به زبان «لوگوس» می‌گویند، یعنی اندیشه و برهان، در پاره‌ای دیگر از زبان‌های اروپایی منطق را «لوژیک» یا «لوژیک» می‌خوانند که همه این الفاظ از همان کلمه یونانی لوگوس به معنای زبان اخذ شده است. به این ترتیب می‌بینیم که زبان وسیله‌ای برای اشکال عالی‌تر تفکر تلقی می‌شود، عالی‌تر از تفکر به وسیله تصویر با تفکر از طریق حس لامسه (اما این فرض محل گفت و گو دارد، و بهتر است درباره آن تحقیق بیشتری بشود). ابتدا باید در نظر داشت دانستن یک زبان و با سواد بودن دو چیز متفاوت است. البته زبان را می‌توان تا حد استفاده عملی از آن برای فهمیدن و تکلم ساده آموخت، ولی از این حد تا توانایی خواندن و نوشتن به یک زبان فاصله زیادی است. البته فقط زبان محاوره‌ای است که به صورت طبیعی تکامل می‌یابد. زبان، ساخت بسیار عمیقی در ذهن ما دارد و اگر از لحاظ زیست‌شناسی به آن توجه کنیم این ساخت در ما فطری است. به هر حال یاد گرفتن سواد خواندن و نوشتن را باید طی مراتب مختلفی به انجام رساند.

ابتدا به یادگیری سیستم، رمزهای زبان می‌پردازیم، که نشانه‌های آوایی معینی به صورت انتزاعی هستند. این‌ها در واقع همان عناصر الفبا هستند. کلمه الفبا از تلفیق دو حرف یونانی آلفا و بتا به وجود آمده است. حروف الفبا را، ابتدا یک به یک یاد می‌گیریم، سپس ترکیب این حروف و آوای منسوب به آن‌ها آموخته می‌شود، که کلمه هستند. کلمات هر یک حاوی معنای است که به ازای اشیاء، افکار و افعال مختلف به کار می‌روند. دانستن معنای هر کلمه مستلزم دانستن تعریف عام آن است. گام نهایی آموزش زبان شامل یادگیری قواعد دستوری آن می‌شود، یعنی دلالت و جای کلمات در جمله، وجود قواعد دستوری برای تعیین حدود ساختمان یک زبان بر اساس آنچه از نظر اجتماعی مقبول و مورد استفاده است، ضرورت دارد. آنچه گفته شد، مقدمات زبان کلام است و از آن نمی‌توان چیزی کم کرد. وقتی شخصی آن‌ها را به خوبی یاد گرفت، می‌تواند بنویسد و بخواند، می‌تواند اخبار و اطلاعاتی را به

صورت کتبی بیان کند و بفهمد. واضح است که آموزش کلام حتی به صورت سوادآموزی ابتدایی، دارای نوعی ساخت است و تعاریف و مسایل فنی خاص آن مورد قبول همه است. ولی مبحث ارتباط بصری در مقایسه با آن ظاهراً ساختی چنان منضبط ندارد.^۱

اگر بخواهیم در تعریف و محدود کردن سواد بصری راه افراط پیش گیریم، با مشکلات زیادی مواجه می‌شویم. کلام که دارای ساخت نسبتاً منضبطی است. مسلماً بر آنهایی که خواهان آموزش بصری هستند نیز تأثیر قابل توجه می‌گذارد. اگر در مقام مقایسه نیز بر آییم، می‌توان نتیجه گرفت که اگر بشود یکی از وسایل ارتباطی را به اجزای اولیه‌اش تجزیه کرد و سپس آن را بررسی نمود، پس می‌توان وسیله دیگری را نیز به همین ترتیب مورد بررسی قرار داد. هر سیستم ارتباطی متشکل است از سمبل‌هایی که ساخته بشر هستند. علایم و سمبل‌هایی که ما بدان زبان و کلام می‌گوییم، در روزگارهای پیشین به صورت رشته‌ای از تصاویر ساده ترسیم می‌شدند، و این تصاویر ساده نتیجه محسوسات بشر بودند. زبان‌ها و سیستم‌های سمبل بسیاری در جهان وجود دارند و بعضی از آنها دارای ریشه‌ای مشترک هستند، برخی نیز هیچ ارتباطی با دیگران ندارند.

مثلاً اعداد که یکی از انواع بسیار ویژه‌ی بازیابی نوعی از اخبار هستند، هیچ گونه ارتباط مستقیمی با الفبا ندارند و یا نتهای موسیقی که آنها هم از این گروهند. در تمام این موارد به طور کلی می‌توان گفت، هر چه ترکیب اولیه‌ی آنها ساده‌تر باشد، فراگیری محتویات خبری آنها که به شکل علایم رمز درآمده، آسان‌تر است. این علایم رمز هر یک دارای معنای خاص است. در جهان بیش از سه هزار زبان رایج و منحصر به فرد و مستقل وجود دارد. بیان با تصویر و زبان بصری در مقایسه با کلام به مراتب جهان شمول‌تر است و از این رو بررسی مشکلات و مسایل مربوط به آن دارای اهمیتی ویژه است. ولی باید در نظر داشت که کلام از نظر ساخت، یک تمامیت منطقی دارد، و به همین دلیل روش یادگیری و فهم آن می‌تواند بسیار روشن و مشخص باشد، در حالی که زبان بصری از این نظر به مراتب بغرنج‌تر است و اگر سعی کنیم با آن عیناً همانند کلام برخورد کنیم، تلاشی بیهوده کرده‌ایم.^۲

۱- دونیس اِ داندیس - مبادی سواد بصری - ترجمه مسعود سپهر - چاپ پانزدهم - سروش - تهران - ۱۳۸۶ - ص ۲۷

۲- همان، ص ۲۹.

- تعریف تصویر

زبان عامل جدا کننده‌ی ملت‌ها از یکدیگر است، حال آن که تصویر عامل پیوند دهنده‌ی آن‌هاست یادگیری و فهم زبان پیچیده و نسبتاً مشکل است. در حالی که تصویر صریح و ساده است و با سرعت، بسیاری از اندیشه‌ها را به دیگران منتقل می‌کند. ضرب‌المثلی چینی می‌گوید: یک تصویر به هزار کلمه می‌ارزد. اما باید اذعان داشت کیفیت کلی اخبار بصری محدود به قابلیت آن‌ها به عنوان جانشین گفتار نمی‌شود. این دو نوع خبر یعنی کلام و تصویر در مقابل یکدیگر قرار نگرفته‌اند: هر یک از آن‌ها ویژگی‌های مخصوص به خود دارد، ولی شیوه بصری هنوز با تمام امکاناتش به کار گرفته نشده است. فهم بصری از توانایی‌های طبیعی بشر محسوب می‌شود و آموزش بصری فقط آن را دقیق‌تر و بهتر می‌سازد بر خلاف زبان گفتاری، آنچه در زبان بصری بیان می‌شود، جانشین و علامت چیز دیگری نیست. بزرگ‌ترین امتیاز ارتباط به وسیله‌ی تصویر در مقابل فهم، بودن سریع و فوری آن است، زیرا محتوا و شکل را همزمان می‌توان مشاهده کرد.^۱

چند نفر می‌بینند؟ این پرسش کوتاه می‌تواند مفاهیم متعددی در بر داشته باشد، زیرا دیدن معنایی چون دریافتن، تماشا کردن، مشاهده کردن، کشف نمودن، تشخیص دادن، تصور و تصویر کردن، آزمودن، خواندن، نگاه کردن و غیره را دارا است.

این اعمال هر یک خود بر مفاهیمی دیگر دلالت دارند، از تشخیص اشیای ساده گرفته تا استفاده از علائم و سمبل‌ها یا رمزها و زبان به منظور مفهوم آفرینی و از تفکر بر پایه استقراء گرفته تا تفکر براساس قیاس. پیچیدگی خصوصیت و محتوای سواد بصری را از همین جا می‌توان دریافت و این پیچیدگی در صورت‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود.

اولین تجربه آموزنده‌ی یک طفل، کسب آگاهی به وسیله حس لامسه است. البته طفل نوزاد فقط از طریق لمس کردن یا دست زدن به اشیاء نیست که درک خود را از محیط اطرافش بالا می‌برد. اواز راه بوییدن و چشیدن اجسام نیز به این کار می‌پردازد. به تدریج حس بینایی و درک تصویر نیز به کمک حواس نامبرده می‌آید و چیزی نمی‌گذرد که این حس از اهمیت درجه اول برخوردار می‌شود. حس بینایی عبارت است از توانایی تشخیص و فهم بصری پدیده‌های موجود در محیط و نیروهایی که تأثیری عاطفی بر بیننده می‌گذارند. ما تقریباً از اولین برخورد خود با جهان برای نظم بخشیدن به نیازها، میل‌ها و هراس‌هایمان به نحوه دیدن و چشم خود وابستگی شدید پیدا می‌کنیم.

۱- سارا شادرخ - نقش هنرمند در ارتقای سطح سواد بصری جامعه - کتاب ماه هنر - ش ۹۴-۹۳-۱۳۸۵.

این قبیل توصیفات درباره اهمیت حس بینایی به هیچ وجه کافی نیست و مثل آن است که از یک قطعه عظیم یخ شناور فقط به قسمت بیرون از آب اشاره کنیم، حال آن که بخش عظیم‌تر در زیر آب پنهان است. به هر حال، ما حس بینایی را همان طور که به ما عطا شده می‌پذیریم و معمولاً هیچ تلاشی برای تیز بین‌تر کردن آن نمی‌کنیم. بهبود بخشیدن به کار حس بینایی و قوه درک بصری می‌تواند هم به هنگام نگرستن ساده به پدیده‌ها مورد استفاده قرار گیرد و هم به هنگامی که منظورمان از پرورش دادن این حس در حد یک وسیله بی نظیر و بی رقیب در ارتباط میان انسان‌ها باشد.

برای کسی که به طور طبیعی می‌تواند ببیند، این کار مستلزم صرف نیرویی بسیار کم است، زیرا مکانیسم فیزیولوژی دیدن در سلسله اعصاب بدن انسان دارای عمل خودکار است. این که عمل دیدن با صرف چنین مقدار ناچیزی انرژی، یک چنین میزان عظیمی از اطلاعات و اخبار از راه‌ها و طرق مختلف در اختیارمان می‌گذارد معمولاً هیچگونه تعجبی در ما بر نمی‌انگیزد. تمام این عمل به نظر ساده و طبیعی می‌رسد، و اغلب تصور می‌کنند که برای دیدن یا تصور کردن و یا فهم به وجود آوردن یک اثر بصری، کاری جز این ندارند که از حس بینایی و چشمان خود همان طور که هست استفاده کنند و نیازی به پرورش و تعلیم بیشتر این توانایی در خود ندارند. کالب گاتگنو (Caleb Gattegno)، در کتابی به نام، در راه فرهنگ بصری درباره ماهیت حس باصره چنین می‌نویسد: «هر چند همه ما سهل و طبیعی می‌بینیم، ولی فرهنگ و تمدن خاص مربوط به دیدن و تصور هنوز، به وجود نیامده است. عمل دیدن سریع انجام می‌شود و همه چیز را به صورتی جامع از نظر می‌گذرانند، هم آنالیتیک یا تحلیلی است و هم در عین حال سنتیک با ترکیبی است. حس بینایی هنگام فعالیت به انرژی ناچیزی احتیاج دارد و تقریباً با سرعت نور عمل می‌کند، و در همان حال به ذهنمان اجازه دریافت و ضبط بی‌نهایت خبر را در زمانی بس کوتاه‌تر از ثانیه می‌دهد». این توصیف به خوبی بیانگر قدرت شگفت‌آور دیدن است و انسان را وادار می‌کند این نتیجه‌گیری او را بپذیرد: «بابینایی، بی‌نهایت‌ها یکباره به ما ارزانی می‌شوند، صفت بینایی، غنا و سرشاری است». میل و رغبت زیاد انسان نسبت به یک پیام بصری آشکار است. ما به علت‌های گوناگون همواره می‌خواهیم دانش و معارف خود را با شواهد بصری تقویت کنیم. مهم‌ترین دلیل برای این تمایل همان صریح و مستقیم بودن تصاویر با پیامدهای بصری و در نتیجه نزدیکی و الفت آن‌ها با تجربیات واقعی است. وقتی اولین سفینه فضایی برماه نشست و اولین گام فضانوردان بر سطح این کره نهاده شد، عده بی شماری در سراسر جهان تماشاگر این واقعه بودند. حال تصور می‌کنید چند نفر از این بینندگان حاضر بودند به جای این پخش مستقیم و دیدنی به یک گزارش مشروح و بسیار شیوای رادیویی درباره آن گوش دهند؟ مثال‌های دیگری نیز می‌توان برای تمایل بیشتر انسان به تصویر نسبت